

جام جم آنلاین: تعیین، دریافت و پرداخت مهریه یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که دادگاه‌های خانواده به آن رسیدگی می‌کنند. پرونده‌هایی با این موضوع معمولا وقت و انرژی فراوانی از مراجعان به دادگاه و محاکم می‌گیرد و به همین دلیل پرداختن دقیق به این موضوع بخش عمده‌ای از سلسله مطالبی که تاکنون در این صفحه خوانده‌اید را به خود اختصاص داده است.



در مطلب این هفته با بیان چند نکته باقیمانده درباره مهریه، این موضوع را به پایان می‌رسانیم و از هفته‌های آینده به سراغ موضوع‌های دیگری در زمینه پرونده‌های خانوادگی می‌رویم.

در مطالب قبلی به این مساله اشاره شد که پرداخت مهریه در قالب اقساط معمولا با این پیش‌زمینه صورت می‌گیرد که قانون با در نظر گرفتن وضعیت حال مردی که توانایی پرداخت مهریه تعیین شده را ندارد، طی مراحل اقدام به قسط بندی این مهریه می‌کند. در پذیرش اقساط مهریه از سوی دادگاه هم مسائل مختلفی دخالت دارد.

مثلا این که همسران زندگی مشترک خود را آغاز کرده باشند یا خیر؟ این که میان همسران در دوران عقد رابطه زناشویی شکل گرفته باشد یا نه؟ شاغل بودن و موقعیت اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی زن، خانه دار بودن زن، تعداد فرزندان، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مرد و حتی نکته‌ای همچون امیدواری قاضی به تشکیل زندگی مشترک در مورد همسرانی که در دوران عقد دچار مشکل می‌شوند، از مواردی است که به واسطه آن قاضی نسبت به قسط بندی مهریه تصمیم‌های متفاوتی می‌گیرد.

مثلا زنی که مهریه‌اش ۱۰۰ سکه طلا و همسرش پزشک است، در دریافت مهریه خود وضعیت کاملا متفاوتی با دختری دارد که یک هفته پس از مراسم عقد مهریه ۵۰۰ سکه‌ای خود را به اجرا گذاشته و هیچ دلیل موجهی هم برای اینکار ندارد.

شاید بتوان با قاطعیت این مساله را مطرح کرد که قانون به هیچ وجه پدیده‌ای خشک و بی‌روح نیست که بدون هیچ‌گونه انعطافی تنها بر اساس فرمول‌های خشک و کلیشه‌ای عمل کند، بلکه متناسب با هر وضعیت تازه‌ای تصمیمی جدید می‌گیرد. در بحث مهریه نیز معمولا وضعیت فرد در تغییر مهریه تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل قانون با پیش بینی مساله‌ای با عنوان دادخواست کاهش و افزایش اقساط مهریه این امکان را

برای هر دو طرف پرونده ایجاد کرده که براساس شرایط جدید تقاضاهای جدیدی مطرح کنند؛ البته تقاضای دادخواست کاهش یا افزایش اقساط تنها در شرایطی می‌تواند مطرح شود که پرونده اجرای احکام که براساس آن مرد مهریه را پرداخت و زن مهریه را دریافت می‌کند همچنان مفتوح باشد و اگر پرونده با توافق طرفین بسته شده باشد دیگر امکان هیچ نوع اقدام حقوقی وجود ندارد.

دادخواست کاهش اقساط از دادخواست‌هایی است که میان مردان طرفداران زیادی دارد. بیشتر مردانی که به همسران خود مهریه می‌پردازند معمولاً پس از یک دوره شش ماهه و گاه یک‌ساله به بهانه‌هایی همچون از دست دادن موقعیت شغلی، ازدواج مجدد، صاحب فرزند شدن، گران شدن قیمت سکه، ارائه دادخواست نفقه از سوی همسر و همزمانی پرداخت آن با مهریه، تقاضای طلاق از سوی همسر به دلیل ناتوانی مرد در تهیه منزل مسکونی و ... دادخواست کاهش اقساط را مطرح می‌کنند.

زنان نیز معمولاً به دلایلی همچون اطلاع از موقعیت شغلی جدید همسر، به دست آوردن درآمدهای تازه از سوی همسر و ... تقاضای افزایش اقساط مهریه را مطرح می‌کنند. شیوه طرح این دادخواست نیز دقیقاً مانند شیوه ارائه دادخواست اعسار و تقسیط مهریه است. تنها تفاوت هم نوع خواسته است که این بار با عنوان کاهش یا افزایش اقساط مطرح می‌شود؛ البته دادگاه‌های خانواده معمولاً حساسیت فراوانی نسبت به پذیرش دادخواست کاهش اقساط دارند و اغلب دادخواست مردان بابت کاهش مهریه را در صورت نبودن دلایل کاملاً منطقی رد می‌کنند، زیرا طبق روال موجود در دادگاه‌ها، وقتی مهریه یک بار قسطی می‌شود، قسطی شدن دوباره آن تابع دلایل مختلفی است که بسادگی محقق نمی‌شود.

گاهی قاضی با وجود شهادت شهود مبنی بر ناتوانی مرد عنوان می‌کند دادگاه قانع نشد یا این که در حکمی دیگر عنوان می‌شود چون شهود پرونده همان شهود قبلی هستند این موضوع مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، اما اگر ناگهان قیمت سکه افزایش شدیدی پیدا کند و حقوق مرد دچار تغییر نشود این موضوع می‌تواند دلیل محکمی برای کاهش اقساط مهریه باشد. حتی ازدواج مجدد زن نیز می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای کاهش اقساط مهریه او باشد.

به همین دلیل بهتر است زنان پس از دریافت مهریه بر سر میزان مهریه و دریافت آن با همسر خود به توافقی قطعی برسند و پرونده مهریه را ببندند تا از آسیب‌پذیری آن در آینده جلوگیری کنند.

اجرای مهریه در ثبت

در مطالب قبلی گفتیم عقدنامه سندی رسمی است که هرچه در آن درج شود در حکم سندی رسمی مانند چک است که بسادگی و سرعت قابل وصول است. به همین دلیل می‌توان با به اجرا گذاشتن مهریه در اداره ثبت، تقاضای توقیف اموال مرد را مطرح و آن را به نتیجه رساند. شیوه طرح چنین شکایتی نیز به این شکل است که زن با مراجعه به محضری که در آنجا عقد صورت گرفته، تقاضای صدور اجراییه را مطرح می‌کند. دفترخانه هم برای همسر اجراییه‌ای صادر و به نشانی او ارسال می‌کند. در همین فاصله زن با مراجعه به اداره ثبتی که در محدوده محل سکونت یا کار همسرش است، تشکیل پرونده می‌دهد و هر نوع اموالی که از شوهر به ثبت رسیده و دارای سند رسمی باشد، به میزان مهریه‌ای که به اجرا گذاشته شده توقیف می‌شود. معمولاً

برگه‌ای هم مبنی بر توقیف اموال برای مرد ارسال می‌شود تا او از این مساله مطلع شود.

چنین ارسالی هم برای این است که مرد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کند و اگر چنین اقدامی از سوی مرد صورت نگیرد، اموال توقیف و طی مراحل به همسر وی داده می‌شود. این نوع اقدام بیشتر از سوی زنانی صورت می‌گیرد که همسران آنها اموالی همچون مغازه، خانه، اتومبیل گران قیمت و... دارند؛ البته اگر مهریه زنان سکه باشد، باید معادل آن در زمان اجرا گذاشتن در ثبت به شکل ریالی محاسبه شود. مثلاً اگر قیمت سکه در زمان به اجرا گذاشتن مهریه در ثبت ۲۰۰ هزار تومان باشد و زن بخواهد ۱۰۰ سکه خود را به اجرا بگذارد، او به میزان ۲۰۰ میلیون تومان می‌تواند اموال همسرش را توقیف کند. در این مورد نیز مانند پرداخت مهریه در دادگاه مرد علاوه بر پرداخت مهریه مورد مطالبه از سوی همسر باید یک بیستم کل مهریه را نیز به عنوان نیم عشر به حساب دولت واریز کند. تنها تفاوت این شیوه اجرا گذاشتن مهریه با شیوه‌های دیگر این است که حتی اگر مرد اموالی نداشته باشد، اجرای مهریه از طریق ثبت منجر به زندانی شدن مرد نمی‌شود و بیشترین کاربرد آن ممنوع‌الخروج کردن مرد است.

این ممنوع‌الخروجی هم دائمی خواهد بود و برخلاف ممنوع‌الخروج کردن از طرف دادگاه خانواده که با پرداخت اولین قسط از سوی مرد برطرف می‌شود، این شکل از به اجرا گذاشتن مهریه تا پرداخت کامل آن به رفع ممنوع‌الخروجی مرد منجر نمی‌شود.

این مساله برای زنان که با تصمیم همسر خود می‌توانند در اولین فرصت ممنوع‌الخروج شده و تا پایان عمر هم ممنوع‌الخروج بمانند، شیوه ای برای اعمال این محدودیت در مورد همسر است که در بیشتر موارد نیز کاربرد فراوانی دارد. زنانی که مهریه‌های سنگینی دارند معمولاً از این شیوه در کنار به اجرا گذاشتن مهریه در دادگاه استفاده می‌کنند؛ البته شیوه‌های دیگری نیز برای دریافت مهریه وجود دارد.

مثلاً زنان مهریه خود را چند بخش می‌کنند و مهریه‌ای ۵۰۰ سکه‌ای را ۱۰۰ تا ۱۰۰ تا به اجرا می‌گذارند و پس از دریافت ۱۰۰ سکه، ۱۰۰ سکه بعدی را به اجرا می‌گذارند. این شیوه هرچند می‌تواند بار روانی شدیدی را برای مرد به دنبال داشته باشد، اما چندان توصیه نمی‌شود. البته زن و مرد می‌توانند در دعاوی مختلف نسبت به هم اقدام کنند، اما اگر دادگاه حس کند یکی از طرفین قصد بازی دادن دیگری را دارد و می‌خواهد از این موضوع سوءاستفاده کند نگاه بر می‌گردد.

این که مهریه چند بخش شود و در چند جا اجرا گذاشته شود یا موضعی لجبازانه اتخاذ شود سبب می‌شود دادگاه در تعیین حق زن به جای در نظر گرفتن حداکثرها، حداقل‌ها را در نظر بگیرد.

نحله چیست؟

تعیین مهریه برای بیشتر زنان و دختران حکم مساله‌ای اعتباری دارد که به واسطه مهریه صاحب پشوانه‌ای می‌شوند که در مواقع بروز بحران از آنها حمایت می‌کند. البته برخی زنان نیز بدون در نظر گرفتن چنین معیارهایی با مهریه‌های اندکی مانند ۵ سکه، ۱۴ سکه، ۱ سکه و... به عقد همسر خود در می‌آیند.

شاید این تصور پیش بیاید که همسران چنین زانی می‌توانند با کوچک‌ترین اختلاف با پرداخت مهریه‌ای که حکم پول خرد مردان را دارد، همسر خود را طلاق دهند.

قانون در چنین مواردی مساله نحله را پیش بینی کرده است. نحله پولی است که دادگاه در زمانی که مرد قصد تقاضای طلاق همسرش را داشته باشد، تعیین می‌کند و مرد برای طلاق دادن همسر خود باید آن را به همسر خود بپردازد. تعیین این پول هم به عوامل مختلفی بستگی دارد که از جمله آنها می‌توان به شان خانوادگی زن، میزان تحصیلات او، مدت زمان زندگی مشترک، شغل همسر و... اشاره کرد. فلسفه چنین مساله‌ای هم این است که زن به دلیل صداقت در پذیرش مهریه‌ای اندک، هنگام طلاق ضرر نکند و بتواند پشتوانه‌ای برای آینده خود داشته باشد.

البته قانون برای زانی که پس از سال‌های طولانی زندگی از سوی همسران خود طلاق داده می‌شوند، پیش‌بینی بحث اجرت‌المثل را هم کرده است. اجرت‌المثل پولی است که به ازای سال‌های زندگی مشترک زن و بابت کارهایی که او در خانه همسر کرده (اعم از کارهای خانه، بزرگ کردن بچه‌ها، شیر دادن بچه‌ها و...) به وی پرداخت می‌کند البته پرداخت این پول در شرایطی محقق می‌شود که زن در دادگاه به این مساله اشاره نکند که بابت انجام چنین کارهایی توقع پول داشته است.

اجرت‌المثل هم تنها بابت زندگی مشترک تعلق می‌گیرد و اگر در زمان عقد طلاق رخ دهد، به زن اجرت‌المثل نمی‌رسد. کوتاه بودن مدت زمان زندگی مشترک هم از مواردی است که سبب می‌شود رقم اجرت‌المثل چندان چشمگیر نباشد و در چنین مواقعی است که بحث نحله مطرح می‌شود. برای نحله هم زن باید درخواست خود را به دادگاه ارائه و از دادگاه تقاضای تعیین نحله را مطرح کند.

محاسبه مهریه به نرخ روز

پیش از آن که مهریه اغلب زنان در قالب سکه تعیین شود، پول رایج کشور به عنوان مهریه تعیین می‌شد. به مرور زمان با کم شدن ارزش پول، مهریه زنان نیز رقم اندکی پیدا کرد و در مواقعی پشتوانه زندگی یک زن برابر با بخشی از حقوق ماهانه یک مرد می‌شد.

قانون برای جلوگیری از آسیب دیدن چنین زنانی، رویه قانونی مشخصی را تعیین کرده که با عنوان محاسبه به نرخ روز شناخته می‌شود. شیوه محاسبه هم چنین است که متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد می‌شود و عدد به دست آمده ضرب در مهریه زن می‌شود. جدولی که شاخص بها در آن درج شده باشد در تمامی دادگاه‌های خانواده موجود است.